

تبیین منظر ارزشی اخلاقی مجازات‌های تکمیلی و تبعی

۱ زکیه ابراهیم‌زاده عطاری

۲ احمد باقری

۳ اسمعیل رحیمی نژاد

چکیده

ارزش‌های اخلاقی ان دسته از رفتارهایی هستند که در راه شکوفایی فطرت پاک انسان، نقش دارند. روشن است که قانون اساسی اسلام که برگرفته از کلام وحیانی است، بهترین جایگاه را برای دستیابی به این مهم رادر نظر دارد. تطبیق میان ارزش‌های اخلاقی با رفتارهای نامناسب انسانی؛ یعنی جرم و مجازات، موضوع این نوشتار است که سعی نگارنده بر آن بوده تا با بررسی اهداف مجازات و اصول حاکم بر مجازات، راهکارهای تحقق ارزش‌های اخلاقی در مجازات تبعی و تکمیلی را ارائه نماید. حاصل این نوشتار آن است که در اسلام، برخی از جرائم بنابر مصلحت‌هایی که در نظر دارد، علاوه بر مجازات اصلی، مجازات‌های تکمیلی و تبعی را برای تنبیه مجرم در نظر می‌گیرد که این مجازات‌ها، فرع بر مجازات‌های اصلی محسوب می‌شوند. تفاوت این دو دسته از مجازات در آن است که در مجازات تکمیلی، قاضی در اعمال آنها مخیر است، در حالیکه در مجازات تبعی اختیاری ندارد و مجازات در حکم دادگاه قید شده است. این مقاله با روش تحلیلی-اجتهادی و با استفاده از منابع کتابخانه‌ای در پی پاسخ به این پرسش است که مبنای ارزش‌های اخلاقی در مجازات‌های تکمیلی و تبعی چیست؟ با در نظر گرفتن اهداف مجازات در اسلام و مستندات قرآنی، سنت، عموم ادله تعزیرات و اصول کلی حاکم بر مجازات می‌توان گفت که تحقق ارزش‌های اخلاقی در مجازات‌های تکمیلی و تبعی زمانی حاصل می‌شود که این شروط کلی مانند تناسب جرم و مجازات، بازدارندگی مجازات، جبران ضرر، اجرای عدالت و کرامت انسانی^۱ در مجازات‌های تبعی و تکمیلی در نظر گرفته شود.

واژگان کلیدی

مجازات تکمیلی، مجازات تبعی، ادله فقهی و حقوقی، ارزش‌های اخلاقی.

۱. گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد تهران شمال، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.
(عضو هیات علمی دانشگاه پیام نور، تهران، ایران)

Email: abrahimzadeh1328@pnu.ac.ir

۲. گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد تهران شمال، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران؛ گروه الهیات و معارف اسلامی، دانشگاه تهران، تهران، ایران. (نویسنده مسئول)

Email: Bagheri@ut.ac.ir

گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق و علوم اجتماعی، دانشگاه تبریز، تبریز، ایران.

Email: rahiminejad@tabrizu.ac.ir

پذیرش نهایی: ۱۴۰۱/۷/۱۸

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۴/۱۵

طرح مسأله

انسان موجودی است اجتماعی و از طرفی از اختیار و آزادی برخوردار است و لذا امکان سواستفاده از آزادی خود و تجاوز به حریم دیگران وجود دارد. یکی از واکنش‌های طبیعی جامعه در برابر مجرمین در همه دوره‌ها و جوامع گوناگون، تنبیه و مجازات است. در واقع مجازات‌ها واکنش اجتماعی سرکوب‌کننده‌ای هستند که برای نیل به اهدافی از جمله ارباب، اصلاح و تربیت، پیشگیری از جرم و اجرای عدالت بر شخص مجرم اعمال می‌شوند. تقسیم‌بندی مجازات برحسب ارتباط آن‌ها با یکدیگر است که بر این اساس عمدتاً به دسته مجازات اصلی، تکمیلی و تبعی تقسیم می‌شوند. مواردی از قبیل تبعید و اجبار به اقامت یا منع از اقامت، جرایم مربوط به حدود و قصاص، جرمه مالی و ... به عنوان مجازات تکمیلی و محرومیت از ارث در قتل عمد، محرومیت‌های ناشی از ارتداد و شهادت در قذف از جمله مصادیق خاص مجازات تبعی است. همچنین مصداق بارز آثار مجازات‌های تکمیلی و تبعی محرومیت از حقوق اجتماعی است. این پژوهش با روش توصیفی و تحلیلی که منابع آن به روش کتابخانه‌ای جمع‌آوری شده در پی پاسخ به این پرسش است که ارزش‌های اخلاقی و عدالت‌کیفری در اعمال مجازات‌های تکمیلی و تبعی چیست؟

موضوع مهم مجازات‌های تکمیلی و تبعی، پیشگیری از جرم و اصلاح مجرم است، از طرفی گاه در اعمال این مجازات‌ها بر بعضی از جرایم شبهه به وجود می‌آید و این سوال مطرح می‌شود که آیا اعمال مجازاتی علاوه بر مجازات اصلی در جرایمی مانند حدود که از طرف شارع مقدس، تعیین و برای آن مجازاتی معین شده، دارای ارزش‌های اخلاقی است؟ بنابراین شناخت ماهیت و ادله‌های حاکم بر این نوع مجازات‌ها برای اعمال آنها ضرورت دارد.

ناگفته نماند که تبیین ارزش‌های اخلاقی در فقه جزایی مهمترین هدف این تحقیق به شمار می‌رود، چه آنکه مجازات تکمیلی و تبعی زاید بر مجازات اصلی هستند و ممکن است در بدو امر وضع چنین مجازات‌هایی با اصول حاکم بر قوانین جزایی مانند تناسب جرم و مجازات و قانونی بودن آنها در تنافی به نظر برسد. همچنین این پژوهش می‌تواند مبین فلسفه مجازات در فقه جزایی اسلام باشد که هدف دیگری برای این تحقیق به شمار می‌آید. تبیین راه‌های تنبیه و اصلاح مجرم در حقوق کیفری اسلام و شناسایی رویکرد شریعت نسبت به انواع مجازات‌ها از اهداف فرعی این پژوهش محسوب می‌شود.

بررسی منابع و تحقیقات نشان می‌دهد که پژوهشی با عنوان «ارزش‌های اخلاقی در مجازات‌های تکمیلی و تبعی» به غیر از یک مورد که دارای تفاوت‌هایی با پژوهش حاضر می‌باشد وجود ندارد. هر چند برخی از حقوقدانان و دانشجویمان به صورت جزئی اقدام به بررسی قسمتی از عنوان پژوهش نموده‌اند، لیکن جای پژوهشی جامع و کامل که در بر گیرنده تمام

مسائل مرتبط با موضوع پژوهش باشد خالی به نظر می‌رسد. برخی از پژوهش‌های صورت گرفته قبلی و مرتبط با پژوهش عبارتند از:

۱- علیرضا محمد بیکی خورتایی (۱۳۹۷) در کتابی با عنوان «بررسی فقهی- حقوقی مجازات‌های تکمیلی و تبعی» به تعریف این نوع مجازات‌های می پردازد. نگارنده در این کتاب حدود، قصاص، دیات و تعزیرات را به لحاظ فقهی طبقه بندی نموده و مجازات‌های تکمیلی و تبعی را مجازات‌های نسبی بیان می‌کند و برخی از مصادیق این دو نوع مجازات را بر می‌شمارد. اصولاً تفاوت اصلی این اثر با پژوهش پیش رو در این است که در این اثر نویسنده به تبیین مجازات‌ها تکمیلی در فقه و حقوق پرداخته است اما ما به بررسی و استخراج ادله حاکم بر ارزش‌های اخلاقی در تبیین مجازات تکمیلی و تبعی می‌پردازیم.

۲- نرجس شهریاری (۱۳۹۵) در پایان نامه‌ای با عنوان «مبانی فقهی مجازات تکمیلی و تبعی» پرداخته که نگارنده ضمن تعاریف ارائه شده در باب مجازات‌های فرعی، مصادیقی از آن‌ها را در شرع بیان می‌کند. نگارنده اگرچه به مصادیق این گونه مجازات‌ها با نگاهی فقهی می‌پردازد اما از بررسی این موضوع به لحاظ ارزش‌های اخلاقی چشم پوشانیده و آثار این گونه مجازات‌های را برای مجرم بیان نمی‌کند.

۳- شهرام ابراهیمی و زهرا باوبند (۱۳۹۷) در مقاله‌ای با عنوان «کیفرشناسی ماهیت مجازات‌های تکمیلی» به بررسی مجازات‌های تکمیلی در قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ می‌پردازند. از نظر نویسندگان مجازات‌های تکمیلی به واقع تدابیری است تأدیبی برای پیشگیری از ارتکاب مجدد جرم که با توجه به جرم ارتكابی و مجازات قابل اعمال بر مرتکب در خصوص برخی از مجرمان اعمال می‌شود.

با این توصیف باید گفت در این مقاله اولاً نویسندگان به مبانی و ادله‌های مجازات‌های تکمیلی در فقه و حقوق با رویکرد ارزش‌های اخلاقی نپرداخته‌اند و این جای بحث و بررسی دارد. جنبه نوآوری تحقیق آن است که تاکنون پژوهشی پیرامون موضوع نامبرده شده صورت نپذیرفته است و اغلب پژوهش‌های صورت گرفته تک بعدی بوده اند که یا به یکی از مجازات‌ها پرداخته‌اند و یا به مصادیق و آثار نظر داشته‌اند و از طرفی به جنبه ارزش‌های اخلاقی این نوع مجازات‌ها در فقه و حقوق بصورت ژرف نظر نداشته‌اند. ما در این پژوهش مجازات‌های تکمیلی و تبعی را هم به لحاظ حقوقی مورد بررسی قرار خواهیم داد و هم به جنبه فقهی آن خواهیم پرداخت که مبنای مشروعیت و اجرایی از نظر ارزش‌های اخلاقی مجازات‌ها را مشخص می‌کند که این نوع نگاه، امری بدیع و تازه است.

روشی را که نگارنده برای طی روند تدوین این پژوهش در نظر گرفته است، روش توصیفی و تحلیلی می‌باشد. در پژوهش حاضر ارزیابی و تجزیه و تحلیل داده‌ها با کمک منطق و استدلال

صورت می‌گیرد.

۱. مفاهیم

۱-۱. جرم و مجازات

جرم به معنای قطع کردن، کسب کردن، ارتکاب گناه و وادار کردن به کاری ناپسند و زشت به کار رفته است. جرم در لغت به معنای گناه، بزه و خطا بوده است (خلیل بن احمد فراهیدی: ۱۱۹/۶). در اصطلاح، علیرغم تعاریف زیادی که از جرم شده هنوز هم این موفقیت بدست نیامده تا از جرم، آنچه‌ان تعریفی به عمل آید که مورد قبول همگان قرار گیرد و در زمان و مکان واجد ارزش باشد و دلیل این امر نیز اینست که پدیده جرم بر حسب دانشمندان و محققان دارای میانی و صور گوناگون بوده است.

در فقه بی آنکه لفظ جرم به کار رفته باشد، به تعریف اعمالی پرداخته شده که مستوجب تعزیر و مجازات است. مثلاً در برخی عبارات آمده که ارتکاب گناهان کبیره و اصرار بر صغیره موجب تعزیر است (موسوی خمینی: *تحریرالوسیله*، ۴۷۹/۲).

در ماده ۲ قانون مجازات اسلامی جدید در تعریف جرم گفته شده: "هر رفتاری اعم از فعل یا ترک فعل که در قانون برای آن مجازات تعیین شده است جرم محسوب می‌شود". بنا به تعاریف ارائه شده می‌توان گفت، مشخصات تعریف قانونی جرم؛ ضمانت اجرای کیفری جرم است که بنا به مورد؛ حبس، قصاص، پرداخت جزای نقدی یا مصادره اموال، محرومیت از حقوق اجتماعی باشد.

مجازات از ریشه جزا و واژه عربی است و در لغت به معنای پاداش دادن و جز دادن در نیکی و بدی (اسماعیل بن عباد: ۱۵۱/۷) است. به عبارتی، جزا و پاداش نیکی و یا بدی را دادن، عقوبت و مکافات (هاشمی شاهرودی: ۸۰/۳) را مجازات می‌نامند. از همین واژه، به ترتیب مجازات دادن و مجازات دیدن به مفهوم مجازات کردن و کیفر یافتن (به سزای اعمال رسیدن) است. (دهخدا: ۱۷۹۰۶/۹).

در شریعت اسلام، مجازات عقوبتی است که از طرف خداوند، در برابر برخی از گناهان قرار داده شده و حاکم اسلامی، آن را اجرا می‌کند مانند سنگسار کردن (مصاحب: ۲۶۵۷).

در حقیقت مجازات کیفر و آزاری است که قاضی به خاطرانجام جرم و به نشانه نفرت جامعه از عمل مجرمانه، بر طبق قانون تعیین می‌کند (باهری: *حقوق جزای عمومی*، ۲۷۶).

بنابراین مجازات، نوعی واکنش بازدارنده و رنج آور و محرومیت‌زا در مقابل پدیده‌ای که هنجارها را تغییر می‌دهد و احساس عدم امنیت جانی و مالی و عرضی را به دنبال دارد و آن را ضامن اجرای عدالت واقعی نام برده‌اند.

۲-۱. ارزش‌های اخلاقی

ارزش از جمله واژگانی است که در علوم گوناگون؛ همانند: حقوق، اقتصاد، فلسفه، اخلاق، فقه، منطق، روانشناسی، سیاست و ... به کار می‌رود و در هریک از علوم به معانی مستقلی بکار می‌رود. شاید بتوان نقطه مشترک جامعی دست یافت که هسته اصلی معنایی ارزش نمود و آن عبارت است از نوعی مطلوبیت ملاک و ارزشمند دانستن چیزی بیان کرد و از همین رو ارزش در واقع معادل مطلوبیت است. اخلاق به معنای ملکات نفسانی است و علم اخلاق درباره شناساندن ملکات پسندیده و ناپسند راه‌های رسیدن به امور اخلاقی پسندیده یا پرهیز از امور زشت را القاء می‌نماید. در نتیجه مراد از ارزش‌های اخلاقی، رسیدن به مطلوبیات ذاتی انسان است

که در مباحث علم النفس فلسفی نمایان می‌شود که ریشه مطلوبیت در ذات انسان نهفته است و اهمیت کمال و رشد و فضیلت ذات نیز از همین جهت برای انسان مطلوب می‌باشد و از همین رو هر صفت یا رفتاری اختیاری که در دستیابی به کمال حقیقی انسان اثرگذار بوده باشد، ارزش اخلاقی پیدا می‌کند. همچنین در الهیات اسلامی، خداوند باری تعالی، مصداق واقعی کمال مطلق بوده و انسان با نزدیک شدن به ذات اقدس اله، به طور حقیقی، انسان کاملتری محسوب می‌گردد. در نتیجه میتوان ادعا کرد که از دیدگاه اخلاق اسلامی، نزدیکی اختیاری به خداوند، دارای ارزش ذاتی است و هر صفات و رفتارهای اختیاری به اندازه تأثیری که در نزدیکی به ذات خداوند دارند، ارزش اخلاقی دارند. (مصباح، ۱۳۹۱)

از سویی دیگر خداوند در قرآن کریم به ملاک نزدیکی و قرب به خود اشاره فرموده: «قُلْ إِنْ كُنْتُمْ تُحِبُّونَ اللَّهَ فَاتَّبِعُونِي يُحْبِبْكُمُ اللَّهُ؛ (آل عمران/۳۱) بگو: اگر خدا را دوست دارید، از من پیروی کنید تا خدا دوستتان بدارد». در این آیه خداوند خطاب به رسول الله می‌فرماید که به مسلمانان بگو: اگر خدا را دوست می‌دارید و می‌خواهید به او نزدیک شوید، از دستورات پیامبرش پیروی کنید. در مسأله مجازات تبعی و تکمیلی، ارزش‌های اخلاقی زمانی تحقق می‌یابد که مطابق با مبانی و ارزش‌های اسلامی باشد و از دستورات دینی نشأت گرفته باشد.

۳-۱. انواع مجازات: مجازات اصلی

مجازات تکمیلی، مجازات تبعی

در ماده ۱۴ قانون مجازات اسلامی مجازات‌ها و شرع به چهار دسته قصاص، دیه، حد و تعزیر تقسیم بندی شد اند؛ یا براساس درجه بین آن‌ها و ماهیت قضایی (سلیمی: حقوق جزای عمومی، ۱۵۸) باید آنها را به مجازات‌های اصلی، تکمیلی و تبعی تقسیم کرد. مجازات اصلی آن دسته مجازات‌هایی هستند که اختصاص به آن جرم دارد و درباره مجازات مجرمین، زمان و عقوبتی را لحاظ می‌کند که دادرس دادگاه به طور صحیح آن را در حکم خود

قید و میزان آن را تعیین نموده باشد (شامبیانی: ۵۹ / ۳). مجازات اصلی در ترمینولوژی حقوق این گونه تعریف شده است: «کیفری است که اولاً و بالذات برای جرمی معین شود و حداقل مجازات آن جرم محسوب می‌شود و کیفرهای دیگری که ممکن است به آن ضمیمه شوند جنبه‌ی عرضی دارند (جعفری لنگرودی: ۵۸۰).

مجازات تکمیلی آن است که علاوه بر مجازاتی که برای یک عمل مجرمانه پیش بینی می‌شود قانون گذار ممکن است مجازات دیگری را هم برحسب نوع جرم ارتكابی و درجه‌ی اهمیت آن، برای مرتکب جرم تعیین کرده. در این صورت مجازات تکمیلی خواهد بود. این مجازات به مجازات اصلی افزوده می‌شود و باید در حکم دادگاه قید شود و هیچ گاه به تنهایی مورد حکم دادگاه قرار نمی‌گیرد، زیرا مجازات مذکور باید مجازات اصلی را تکمیل کند. مجازات تکمیلی گاهی جنبه‌ی الزامی دارند و گاهی قاضی اختیار دارد که آن‌ها را اعمال کند یا از آن‌ها چشم‌پوشد مانند انتشار حکم (زراعت: حقوق جزای عمومی ۳، ۲ / ۲۰).

جعفری لنگرودی در کتاب «ترمینولوژی حقوق» مجازات تکمیلی را کیفری می‌داند که مکمل کیفر اصلی است و نسبت به آن جنبه فرعی دارد؛ مانند کیفر اصلی در حکم دادگاه منعکس است خواه دادرس مختار در تعیین چنین کیفری باشد خواه ملزم (جعفری لنگرودی: ۵۸۰).

در خصوص تعریف مجازات تبعی بین حقوقدانان اتفاق نظری وجود ندارد. مطابق تعریفی مفهوم مجازات تبعی باید به مجازاتی اختصاص داشته باشد که به طور خودکار به بعضی از مجازات اصلی بار می‌شود، گویی که مجازات تبعی آنها را تعقیب می‌کنند ولو اینکه صریحاً در رأی قید نشده باشند (گاستون: ۶۷۷ / ۲۰۱).

در تعریفی دیگر آمده است: کیفری است که متعاقب وضع و اعمال مجازات اصلی در خصوص مجرم اجرا و اعمال می‌گردد و برای اجرای این مجازات نیازی به تصریح در حکم دادگاه نمی‌باشد؛ بلکه در صورت محرومیت بزهدکار به جرائم مهم به حکم قانون و به طور خودکار بر محکوم بار می‌شود (شاملو: ۴۰۵).

خلاصه سخن آنکه مجازات اصلی، مجازاتی است که حسب مورد و به طور خاص در قوانین جزایی برای هر جرمی پیش‌بینی می‌شود. در مواردی هم قانون گذار به قاضی اجازه می‌دهد تا علاوه بر مجازات اصلی، از مجازات تکمیلی نیز در رأی خود بهره‌گیرد. ویژگی بارز و اصلی مجازات تکمیلی، اختیاری بودن آن است. مجازات تبعی نیز مجازاتی هستند که به لحاظ ماهیت، مشتمل بر محرومیت از برخی حقوق بوده و بدون نیاز به ذکر در رأی دادگاه و به محض احراز محکومیت قطعی متهم و به تبع حکم اصلی بر محکوم تحمیل می‌شود. این نوع مجازات نیز در متون فقهی و قانون تصریح شده‌اند. بطور نمونه در متون فقهی مانند: محرومیت از ازدواج

در زنا و لواط، محرومیت از شهادت در قذف، محرومیت از ارث در قتل، محرومیت از شهادت در تکدی گری. قانون مجازات اسلامی نیز در موارد ۲۵ و ۲۶ به مجازات تبعی اشاره کرده است. نسبت به ادله فقهی مجازات اصلی و تکمیلی و تبعی، نص صریح قرآن است که در آیه ۴ سوره نور به آن اشاره می شود: «و کسانیکه زنان پاک دامن را متهم می کنند، سپس چهار شاهد (بر مدعی خود) نمی آورند، آن ها را هشتاد تازیانه بزنید و شهادتشان را هرگز نپذیرید؛ و آنها همان فاسقان اند.» و در قانون مجازات اسلامی در مواد ۱۴۰ و ۲۵۰ همین حکم وارد شده است.

۲. اهداف مجازات

اهداف مجازات از دیدگاه اسلام آن است که ادامه و بقای زندگی اجتماعی توأم با رفاه و آسایش ممکن نیست مگر با تأمین امنیت در جامعه و گسترش عدالت قضایی، اجتماعی، سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و اخلاقی که این امر مستلزم پش بینی قواعد و ضوابط هماهنگ در کلیه زمینه ها است تا از هرگونه تجاوز و تعدی افراد به حقوق یکدیگر جلوگیری کند به طور کلی مهم ترین اهداف مجازات از نظر اسلام عبارتند از:

۲-۱. اصلاح و تربیت مجرم

به طور کلی مجازات نقش مؤثری در پرورش و اصلاح مجرم و دستیابی او به جایگاهی شایسته دارد و در حقیقت نوعی تکریم مجرم قلمداد می شود. اصلاح مجرمین به وسیله تہذیب نفوس و دوری جستن از گناه از طریق توبه صورت می گیرد: «فمن تاب من بعد ظلمه و اصلاح فان الله يتوب عليه ان الله غفور رحيم (مائده: ۳۸ / ۵)؛ هر که بعد از ستمی که کرده، توبه نمود و کار خود را اصلاح کرد، از آن پس خدا او را خواهد بخشید که خدا بخشنده و مهربان است. در نظام الهی که هدف، سعادت انسان و هدایت اوست، مجازات عمدتاً باهدف اصلاح بزهکاران و بازسازی آن ها اجرا می شود. از همین رو جز در مواردی که کیان جامعه آسیب ببیند، اصراری بر اجرای کیفرهای خشن نیست. اصلاح و تربیت تا جایی است که فرد گناہانی که دیگر شایستگی حیات را نداشته باشد و قابلیت تربیت را از دست دهد؛ مرتکب نشود که در این صورت مجازات و حدود الهی بدون سهل انگاری اجرا می شود (جمعی از مؤلفان: ۱۳۰/۵۱).

۲-۲. ارعاب و بازدارندگی

از جمله مواردی که در منابع دینی به عنوان هدف مجازات به چشم می آید اثر بازدارندگی است. در تفاسیر مختلف در ذیل آیه: «و لَكُمْ فِي الْقِصَاصِ حَيَاةٌ» قصاص و اعدام قاتل موجب و ضامن حیات زندگی شما است (بقره: ۱۷۹ / ۲). حکمت تشریح قصاص، در مجازات قتل، حفظ حیات و زندگانی در جامعه است؛ زیرا قصاص بهترین مانع برای پیشگیری از بی باکی بر کشتن نفس است. (همان: ۱۴۰ / ۴۱).

مسئله ای که در اینجا مطرح می شود این است که ارعاب زمانی موثر واقع می شود که

واکنش جامعه نسبت به مجازات مثبت و تاثیر گذار باشد. و به عبارت دیگر پیشگیری عمومی زمانی موثر واقع می‌شود که وضع اجتماعی و فرهنگی جامعه آن را ایجاب کند. بنابراین مجازات تبعی و تکمیلی همواره باید صحت و مشروعیت خود را به اثبات برسانند. پس اگر مجازات به درستی و بر موازین اسلامی اجرا گردد، مطمئن باشد که در صورت ارتکاب جرم مجازات می‌شود، از انجام جرم منصرف می‌شود و دیگران نیز از ارتکاب آن سر باز می‌زنند.

۳-۲. تحقق عدالت

تحقق عدالت یکی دیگر از اهداف است که برای مجازات بیان می‌شود. درست است که نگاه به عدالت و ارزش آن ذاتی است و تنها در گرو نفع اجتماعی نمی‌باشد؛ اما فرض عدالت در زمانی است که شارع در اعمال مجازات، مصلحت خود مجرم را نادیده گرفته و با در نظر گرفتن شخص صاحب حق و بدست آمدن حق او، عدالت محقق می‌گردد. بر همین اساس «تحقق عدالت» در مقابل مصلحت خود مجرم ارائه می‌شود. خداوند در آیه ۲۵ سوره حدید می‌فرماید: «ما رسولان خود را با دلایل روشن فرستادیم و با آن‌ها کتاب آسمانی و میزان شناسایی حق از باطل و قوانین عادلانه نازل کردیم تا مردم قیامت به عدالت کنند و آهن را نازل کردیم که در آن نیروی شدید است.»^۱

در حدیثی از امام کاظم (ع) پیرامون تفسیر این آیه بیان شده که خداوند فرمود: «يُخَيِّ الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا» (روم: ۱۹/۳۰) آمده است: «زنده شدن زمین با باریدن نیست بلکه خداوند مردانی را مبعوث می‌کند که عدل را زنده می‌کنند پس زمین زنده می‌شود با احیاء عدل و اقامه حدود در زمین نافع تر از چهل روز باریدن باران است» (کلینی: الکافی، ۱/ ۱۷۴). از نگاه امام خمینی (ره)، هدف از تشریح و اجرای همه احکام اسلامی، تحقق عدالت است و اسلام به قانون نظر «آلی» دارد، یعنی، آن را آلت و وسیله تحقق عدالت در جامعه می‌داند. (موسوی خمینی: ولایت فقیه، ۷۳).

۳. اصول حاکم بر مجازات

عدالت اقتضاء می‌کند که همگان در برابر قانون برابر باشند، وجود قوانینی ثابت که در تشریح آن شائبه هیچ گونه غرض ورزی و جانب داری نباشد و صرف نظر از مورد یا موارد خاصی به اجرا گذاشته شود را

۳-۱. اصل تساوی افراد در برابر مجازات

صریح ترین مفهوم تساوی در برابر قانون آن است که هیچ فردی به خاطر رنگ، نژاد یا دین و مذهب یا جنسیت مجازات شدیدتر یا خفیف تری متحمل نشود. از دیدگاه اسلام همه ی

۱. «لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ وَأَنْزَلْنَا الْحَدِيدَ فِيهِ بَأْسٌ شَدِيدٌ».

انسان‌ها با هم برابرند و کسی به واسطه مقام، موقعیت و ثروت نمی‌تواند بر دیگری برتری یابد (سبزواری نژاد: ۳۶).

با توجه به آیه «إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ» (حجرات: ۱۳/۴۹): گرامی‌ترین شما نزد خداوند با تقواترین شماست. آنچه معیار برتری است، تقوای الهی انسان‌ها است.»

در قانون نیز به این اصل اشاره شده است، به موجب اصل مذکور، در مورد مجرمینی که در شرایط مشابه مرتکب جرم مشابه شده‌اند، باید مجازات متساوی تعیین گردد. این اصل مکمل اصل قانونی بودن مجازات است. بنابراین همه‌ی افراد در هر مقام و موقعیتی در مقابل قانون با یکدیگر مساوی هستند و اجرای کیفر بدون توجه به فرد باید انجام شود (باهری: نگرشی بر حقوق عمومی/ایران، ۳۹۵).

۲-۳. اصل شخصی بودن مجازات

صریح‌ترین حکمی که در قرآن در مورد اصل شخصی بودن مجازات بیان شده است در آیه شریفه «وَلَا تَزِرُ وَازِرَةٌ وِزْرَ أُخْرَى» (انعام: ۱۶۴/۶): هیچ سنگینی باری، بار گناه دیگری را بر نمی‌دارد» ذکر شده است. در دین مبین اسلام کسی به جای دیگری مجازات نخواهد شد (سبزواری نژاد: ۴۱). براساس این اصل، مجازات فقط بر مجرم بار می‌شود، نه بر بستگان و نزدیکان او (محسنی: دوره حقوق جزای عمومی، ۱۴/۳).

در گذشته شخص بزهکار به همراه خانواده و طایفه و یا قبیله خود مجازات می‌شدند و نزدیکان مجرم نیز از تعرض مصون نبوده و در برار جرم بزهکار، مسئول بودند (نوربها: حقوق جزای عمومی، ۴۲۰). از همین رو احراز شرایط مسئولیت کیفری برای مجازات لازم است و مجازات بر کسی بار می‌گردد که تقصیر و جرم به او منتسب گردد.

۴. واکاوی راهکارهای ارزش‌های اخلاقی در تحقق مجازات تکمیلی و تبعی

توسعه افکار مکتب تحقیقی و به تبع آن تحول در مفهوم جرم و مجازات و نیز تغییر دادن اهداف حقوق کیفری از سنتی به دفاع اجتماعی و نیز اهمیت دادن به شخصیت مجرم بجای جرم و لزوم ایجاد تناسب بین تدابیر امنیتی و شخصیت مجرم، موجب پدید آمدن نهادهای جدیدی از جمله مجازات فرعی (تکمیلی و تبعی) در حقوق کیفری گردید. لذا در این مبحث به بررسی ادله شرعی مجازات‌های تکمیلی و تبعی براساس اهداف جرم و مجازات و اصول کلی حاکم بر مجازات خواهیم پرداخت تا بتوان راه‌های دستیابی به ارزش‌های اخلاقی را در تحقق مجازات تبعی و تکمیلی اثبات نمود. از آنجایی که تحقق ارزش‌های اخلاقی در مجازات تکمیلی و تبعی منوط بر پیروی آن از دستورات و مبانی مجازات اسلامی است، بر همین اساس لازم است تا مبانی اسلامی و دستورات شرعی حاکم بر مجازات اسلامی در مجازات تکمیلی و تبعی بیان گردد.

۱-۴. تناسب جرم و مجازات

تناسب میان جرم و مجازات یکی از اصول و قواعدی است که در حقوق و اخلاقیات به عنوان یکی از شاخصه‌های عدالت کیفری از آن یاد می‌شود. دین مبین اسلام نیز به این اصل، توجه ویژه‌ای داشته و اجرای عدالت را بر محور همین اصل ممکن می‌داند.

مراد از تناسب جرائم با مجازات‌ها این است که یک نسبت و مشابهتی از حیث عدالت میان مجازات‌ها با جرائم، وجود داشته باشد. قرآن کریم دستورات فراوانی در این زمینه دارد. تناسب میان جرایم و مجازات‌ها در حقوق کیفری اسلام را می‌توان در مواردی همچون قصاص ملاحظه نمود؛ از همین رو خداوند در قرآن می‌فرماید: «وَالْحُرُمَاتُ قِصَاصٌ فَمَنِ اعْتَدَىٰ عَلَیْكُمْ فَأَعْتَدُوا عَلَیْهِ بِمِثْلِ مَا اعْتَدَىٰ عَلَیْكُمْ (بقره: ۱۹۴/۲)؛ رفتارهای حرام [قابل] قصاص می‌باشد [به طور کلی] هر کس به شما تجاوز کرد، همانند آن بر او تعدی کنید».

«وَجَزَاءٌ سِیِّئَةٍ سِیِّئَةٌ مِّثْلُهَا (شوری: ۴۰/۴۲)؛ کیفر بدی، مجازاتی است همانند آن.» و «مَنْ عَمِلَ سِیِّئَةً فَلَا یُجْزَىٰ إِلَّا مِثْلَهَا (غافر: ۴۰/۴۰)؛ هر کس بدی کند، جز بمانند آن کیفر داده نمی‌شود».

در این آیات، واژگانی همچون «اعتدی و سیئه» با توجه به اطلاقیان، هر نوع جرم و تجاوز و فسادی را شامل می‌شوند و بر همین اساس لازم است مجازات و کیفر متناسب و هم‌تراز با آن جرائم را لحاظ نمود. مجازات بیش از میزان تعدی و جرم، جایز نیست و از طرفی دیگر مجازات کمتر جرم و گناه، برخلاف عدالت می‌باشد و نوعی ظلم و ستم بر مجرم و گناهکار محسوب می‌گردد. همچنین مجازات پایین‌تر از جرم، بی‌تردید نه تنها رضایت مجنی علیه را به وجود نمی‌آورد؛ بلکه تأثیر تأدیبی و ترهیبی و ارعابی مجرم و پیشگیری از جرم را در پی نخواهد داشت (علیان و فاخر میبیدی: ۳۸-۳۷).

البته مجنی علیه می‌تواند از مجازات صرف نظر کند؛ از همین رو خداوند در آیه ۱۷۸ سوره بقره، به مجازات و حق قصاص اشاره دارد و از در ادامه بخشش و گذشت از قصاص را نیکو می‌داند و از سویی دیگر در آیه ۱۷۹ سوره بقره، مجازات قصاص را سبب تداوم حیات در زندگی بیان می‌کند. بر همین اساس قانون‌گذار در ماده ۶۱۲ ق.م.ا از باب مجازات تکمیلی می‌آورد:

در صورت عدم اجرای قصاص علیه مرتکب قتل عمدی به هر دلیلی، دادگاه مرتکب را به حبس سه تا ۱۰ سال محکوم می‌نماید و همین‌طور ماده ۶۱۴ قانون مذکور در مورد مرتکب قصاص عضو که مجازات قصاص در مورد او اجرا نمی‌شود، مجازات حبس را مقرر می‌دارد (جوانبخت و محمدی: ۱۵۷-۱۵۶).

علاوه بر قصاص، مجازات‌های دیگر نیز برای جرایمی مانند تجاوز جنسی و زنا، شاهد دروغگو، تهمت زدن و افتراء، دزدی و ... در اسلام بیان گردیده‌اند و متناسب با جرم، مجازات آن

هم تصدیق شده است. به عنوان نمونه: اگر کسی مرتکب زنا با زن میت شود حکم وی مانند حکم انسان زنده است به خاطر قول پیامبر (ص) که فرمودند: « حرمة المؤمن میتاً کحرمته حیاً» (فیض کاشانی: الوافی، ۶ / ۶۲) حرمت مؤمن میت مانند حرمت مؤمن زنده است. مرتکب شدن زنا با زنی که از دنیا رفته نیز موجب تغلیظ عقوبت می‌شود (حلی: الکافی فی الفقه، ۲ / ۲۲۵) پس اگر این موضوع ثابت شود اگر زانی محصن باشد رجم می‌شود و در غیر این صورت جلد می‌شود و علاوه بر حد از باب تعزیر و تکمیل مجازات تازیانه بیشتری می‌خورد؛ به خاطر هتک حرمت میت و اینکه چنین جرثقی را پیدا کرده است. اگر موطوئه همسر یا کنیز او باشد فقط تعزیر می‌شود و حد نمی‌خورد (ابن ادریس: ۳ / ۶۷).

۲-۴. جبران خسارت

در نظریه و ادله جبران خسارت، حق قربانیان جرم و جبران خسارت بزه دیده، بیان می‌شود. ایده اصلی در نظریه جبران این است که خسارت‌های وارده بر بزه دیده تا جایی که امکان دارد، استیفا گردد. (مقیمی: ۱۱۳).

«قاعده لاضرر» در اسلام نیز به معنی نفی هر گونه مشروعیت ضرر و اضرار در اسلام است که به عنوان یکی از مستندات جبران ضرر تلقی می‌شود. مرحوم نراقی معتقد است: منظور، نفی ضرر غیر متدرک است، یعنی هر کس به دیگری ضرر بزند، موظف است آن را تدارک و تلافی کند و ضرری که جبران نداشته باشد، در اسلام وجود ندارد (نراقی: ۱ / ۱۷). بنابراین قاعده مذکور در کنار جبران خسارت مالی از ادله فقهی مشروع در باب این گونه مجازات‌هاست. مجازات مالی به صورت مصادره یا توقیف مال مجرم و یا جریمه نقدی است. در برخی از روایات، جریمه نقدی نوعی تعزیر شمرده شده است. به روایت توجه کنید: «قَصَوِی النَّبِوِیُّ (ص) فِوِیْمَنْ سَرَقَ الثَّمَارَ فِی کُمِّهِ فَمَا أَكَلَ مِنْهُ فَلَا شَیْءَ عَلَیْهِ وَ مَا حَمَلَ فِیَعَزُّ وَ یَعْرَمُ قِیْمَتَهُ مَرَّتَیْنِ» (کلینی: الکافی، ۱۷ / ۲۳۰). پیامبر اسلام (ص) در مورد کسی که مقدار کمی میوه دزدیده و آن را مصرف کرده بود چنین قضاوت فرمود: «چنین شخصی تعزیر می‌شود، و دو برابر قیمت میوه‌هایی که دزدیده از وی گرفته می‌شود.» پیامبر (ص) در این مورد علاوه بر تعزیر مجرم، او را به پرداخت جریمه نقدی نیز مجبور کرد. این مجازات اضافی را می‌شود به عنوان تکمیل مجازات در نظر گرفت.

۳-۴. کرامت انسانی

از ادله‌های دیگر تحقق ارزش‌های اخلاقی، اصل «کرامت انسانی» یا «کرامت انسان» در حقوق می‌باشد که ارزش و بهای برابری برای انسان قائل است. کرامت به لحاظ لغوی دارای معانی مختلفی است که مهمترین آنها عبارت است از: ارزش، حرمت، حیثیت، بزرگواری، عزت، شرافت، انسانیت، شأن، مقام، موقعیت، درجه، رتبه، جایگاه، منزلت، نزاهت، از فرومایگی و پاک

بودن از آلودگی‌ها، احسان و بخشش، جوانمردی و سخاوت (دهخدا: ۱۱ / ۱۶۰۷۰).

علامه محمدتقی جعفری ضمن تقسیم کرامت انسانی به کرامت ذاتی و اکتسابی بیان می‌کند: «در اسلام دو نوع کرامت برای انسان‌ها ثابت شده است که عبارت است از: ۱) کرامت ذاتی و حیثیت طبیعی که همه انسان‌ها مادامی که با اختیار خود به جهت ارتکاب به خیانت و جنایت بر خویشان و دیگران آن را از خود سلب نکنند از این صفت شریف برخوردارند؛ ۲) کرامت ارزشی که از به کار انداختن استعداد و نیروهای مثبت در وجود آدمی و تکاپو در مسیر رشد و کمال و خیرات ناشی می‌شود. این کرامت، اکتسابی و اختیاری است و ارزش نهایی و غایی انسان به همین کرامت است» (جعفری تبریزی: ۲۷۹). از دقت و تأمل در نظر فوق معلوم می‌گردد که کرامت ذاتی انسان، همان حیثیت و حرمتی است که تمام انسان‌ها به طور طبیعی از آن برخوردار هستند.

قانون مجازات اسلامی در برخی از مواد مانند بند س ماده ۲۳ (انتشار حکم و معرفی محکوم علیه به عموم)، ماده ۳۶ (انتشار حکم محکومیت قطعی در رسانه ملی یا یکی از روزنامه‌های کثیرالانتشار) را که با کرامت ذاتی بزهکار می‌باشد در چارچوب اصولی، مجاز می‌داند. هر چند که سلب امتیازات و حقوقی اکتسابی برای شخص بزهکار در راستای کرامت انسانی، ادله مشروع دانستن مجازات‌های مثل مجازات‌های تکمیلی را جایز می‌شمارد و شخص بزهکار را از با محرومیت‌ها و محدودیت‌هایی روبرو می‌سازد. از این کرامت انسانی، نیز از ادله حقوقی توجیه پذیر در مبحث مجازات‌های تکمیلی می‌باشد، که بخصوص در قلمرو حقوق کار، حقوق اقتصادی، حقوق مصرف و مطمئناً در سایر بخش‌ها بسیار مفید است.

نتیجه گیری

از مهمترین تقسیم‌بندی مجازات‌ها در نظام کیفری عرفی براساس رابطه موجود بین مجازات‌ها، تقسیم آنها به مجازات‌های اصلی، تکمیلی و تبعی است. این نوع تقسیم‌بندی در فقه وجود نداشته و تقسیم‌بندی به چهار دسته قصاص، حدود، دیات و تعزیرات می‌باشد. اما مجازات‌های تکمیلی و تبعی مجازات‌هایی فرعی هستند که علاوه بر مجازات‌های اصلی و بعد از تحمل مجازات اصلی از سوی مجرم بر او تحمیل می‌شود و مجرم را از یک سری حقوق اجتماعی محروم می‌کنند. مجازات تکمیلی از سوی قاضی، اختیاری؛ ولی مجازات تبعی اجباری است.

ادله مشروعیت این گونه مجازات‌ها در فقه و حقوق سبب شده تا مجرمی که طعم تلخ مجازات اصلی را چیشده و جایگاه اجتماعی‌اش تا حدودی دستخوش تزلزل گشته، مجدداً بر او مجازات دیگری تحمیل شود و از این رو در شناخت ماهیت و در عملی شدن این قبیل مجازات‌ها و ارزش‌های اخلاقی امری مؤثر خواهد بود.

ادله مشروعیت مجازات تکمیلی و تبعی در شرع و قانون با مصادیق متعدد آن وجود دارد؛ همچون «محرومیت از ارث در قتل عمد. منظور از مبانی حقوقی مجازات تکمیلی و تبعی، اصل و مواد قانونی بوده است که بر این امر صراحت دارند. موضوعی که در این مقاله باتوجه به اصول کلی مجازات و اهداف جرم و مجازات، به دنبال آن بودیم، مبانی تحقق ارزش‌های اخلاقی در مجازات تبعی و تکمیلی است. منظور از ارزش‌های اخلاقی آن دسته از اصول و مبانی و دستوراتی است که با فطرت و ذات انسان مطابق بوده و باتوجه به اتصال ارزش‌های اخلاقی با منبع و حیانی، مطابقت آن با کمال انسانی قابل تطابق است و ازسوی دیگر با شناخت جایگاه انسان در هستی، همسو است. زیرا اسلام دین فرا زمانی و فرامکای است و احکام و دستورات و ارزش‌های اخلاقی آن پیوسته با هر زمان و مانی قابل تطبیق است و امکان سنجی و ظهور آن با شرایط مختلف، قابل تغییر و جابجایی (همانند احکام ثانویه) است. بنابراین مبانی و اصول ارزش‌های اخلاق از منظر اسلام در مجازات‌های تکمیلی و تبعی، امری منطبق با کمال انسانی و سعادت دنیا و آخرت می باشد.

فهرست منابع

قرآن کریم

۱. ابن ادریس، محمد بن احمد، ۱۴۱۰ق، السرائر الحاوی لتحریر الفتاوی، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۲. اسماعیل بن عباد، ۱۴۱۴ق، کافی الکفاه، المحيط فی اللغه، عالم الکتاب، بیروت.
۳. باهری، محمد، ۱۳۴۰، حقوق جزای عمومی، چاپخانه برادران علمی، تهران.
۴.، ۱۳۸۰، نگرشی بر حقوق جزای عمومی، چاپ اول، انتشارات مجد، تهران.
۵. جعفری تبریزی، محمد تقی، ۱۳۷۰، حقوق جهانی بشر از دیدگاه اسلام و غرب، انتشارات خدمات و حقوق بین الملل جمهوری اسلامی ایران، تهران.
۶. جعفری لنگرودی، محمد جعفر، ۱۳۹۱، ترمینولوژی حقوق، گنج دانش، تهران.
۷. جمعی از مؤلفان، بی تا، مجله فقه اهل علیهم السلام، چاپ اول، مؤسسه دائره المعارف فقه اسلامی بر مذاهب اهل بیت علیهم اسلام، قم.
۸. جوانبخت، محمد و محمدی، سهیلا، ۱۳۹۵، «تعارض اصل تناسب جرم و مجازات با اهداف مجازات‌ها (با نگاهی به فقه امامیه و حقوق کیفری)»، فصلنامه داخلی کانون وکلای دادگستری، شماره ۱۵، صفحات ۱۷۷-۱۵۴.
۹. دهخدا، علی اکبر، ۱۳۷۸، لغت نامه، موسسه انتشارات دانشگاه تهران، تهران.
۱۰. زراعت، عباس، ۱۳۸۴، حقوق جزای عمومی تطبیقی، چاپ اول، فکر سازان، تهران.
۱۱. سبزواری نژاد، حجت، ۱۳۹۲، حقوق جزای عمومی، چاپ اول، جنگل، جاودانه، تهران.
۱۲. سلیمی، صادق، ۱۳۸۲، حقوق جزای عمومی، چاپ اول، انتشارات تهران صدرا، تهران.
۱۳. شامبیانی، هوشنگ، ۱۳۹۲، حقوق جزای عمومی، انتشارات مجد، تهران.
۱۴. شاملو، باقر، ۱۳۹۰، عدالت کیفری و اطفال، انتشارات جنگل، تهران.
۱۵. علیان، عیسی و فاخر میبیدی، محمد، ۱۳۹۷، «تناسب جرم و مجازات براساس آیات قصاص»، فصلنامه علمی-پژوهشی مطالعات تفسیری، سال نهم، شماره ۳۶، صفحات ۴۶-۲۹.
۱۶. فراهیدی، خلیل بن احمد، ۱۴۰۹ق، کتاب العین، چ مهدی مخزومی و ابراهیم سامرائی، نشر هجرت، قم.
۱۷. فیض کاشانی، الوافی، ۱۴۰۶ق، الوافی، چاپ اول، کتابخانه امام امیر المومنین علی علیه السلام، اصفهان.
۱۸.، ۱۳۸۴، عرف عقلا، تهران، برهان و عرفان، نشریه دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات.

۱۹. قرشی، علی اکبر، ۱۴۱۲ق، قاموس قرآن، چاپ ششم، دار الکتب الاسلامیہ، تہران.
۲۰. کلینی، ابوجعفر محمدبن یعقوب، ۱۴۰۷ق، الکافی، چاپ چہارم، دارالکتب الاسلامیہ، تہران.
۲۱. گاستون، استفانی، ۱۳۷۷، حقوق جزای عمومی، چاپ اول، انتشارات دانشگاه علامہ طباطبائی، تہران.
۲۲. محسنی، مرتضی، ۱۳۷۶، دورہ حقوق جزای عمومی، چاپ اول، گنج دانش، تہران.
۲۳. مصاحب، غلامحسین، بی تا، دائرہ المعارف فارسی، بی جا.
۲۴. مصباح، مجتبی، نقش نیت در ارزش اخلاقی، اخلاق و حیانی سال اول زمستان ۱۳۹۱ شماره ۲.
۲۵. مقیمی حاجی، ابوالقاسم، ۱۳۸۶، «فلسفہ مجازات در اسلام ۱»، مجلہ آل البیت، شماره ۵۲، صفحات ۷۱-۱۰۵.
۲۶. موسوی خمینی، روح اللہ، ۱۳۶۸، تحریر الوسیلہ، مرکز نشر آثار امام خمینی، دارالعلم، قم.
۲۷.، ۱۴۲۳ق، ولایت فقیہ، چاپ دوازدہم، مؤسسہ تنظیم و نشر آثار امام خمینی قدس سرہ، تہران.
۲۸. نراقی، المولی احمد، ۱۳۷۵، عوائد الایام فی بیان الاحکام، دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیہ قم، قم.
۲۹. نوربہا، رضا، ۱۳۷۸، حقوق جزای عمومی، انتشارات دادآفرین، تہران.
۳۰. ہاشمی شاہرودی، سید محمود، ۱۴۲۶ق، فرہنگ فقہ مطابق مذهب اہل بین علیہم السلام، قم، مؤسسہ دائرہ المعارف فقہ اسلامی بر مذهب اہل بین علیہم السلام.